



بازداشت مدیر عامل قلابی به اتهام آزار دختر فراری

فرار از خانه به دلیل اختلافات خانوادگی، آغاز ماجرای تلخ برای دختر ۱۷ساله‌ای شد که پس از فریب در فضای مجازی، مورد آزار قرار گرفت، پرونده‌ای که با دستگیری متهم سابقه‌دار در تهران وارد مرحله تازه‌ای شد.

سر هنگ کار آگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تشریح جزئیات این پرونده گفت: در اواخر آذرماه امسال، دختری ۱۷ ساله با در دست داشتن پرونده‌ای از شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک تهران به اداره شانزدهم پلیس آگاهی مراجعه و شکایتی مبنی بر آزار و فریب مطرح کرد.

به گفته وی، این دختر نوجوان اظهار داشته که در اوایل مردادماه سال جاری به‌دلیل اختلافات خانوادگی، منزل پدری خود را در یکی از شهرهای شمالی کشور ترک کرده و راهی تهران شده است. شاکي در مدت کوتاهی، شب‌ها را در پارک‌ها و پایانه‌های مسافربری سبزی کرده و در همین ایام از طریق فضای مجازی با فردی آشنا شده که خود را مدیرعامل یک شرکت معرفی کرده بود.

سرهنگ نثاری افزود: این فرد با فریب و جلب اعتماد دختر نوجوان، وی را به منزلی در شهرستان‌های شرقی تهران منتقل می‌کند. متهم در یکی از شب‌ها با تهدید و اجبار اقدام به آزار دختر جوان کرده و سپس از آن، او را از منزل بیرون می‌کند.

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با اشاره به فرار متهم پس از وقوع جرم گفت: با دستور مقام قضایی و با وجود آنکه در ابتدا پرونده در حوزه قضایی شهرستان مربوطه تشکیل شده بود،بمنظور تسهیل در روند رسیدگی و حمایت بیشتر از شاکي، پرونده برای رسیدگی مجدد به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران ارجاع شد.

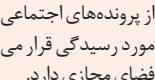
وی ادامه داد: کارآگاهان پلیس آگاهی در جریان تحقیقات گسترده و با به کارگیری شگردهای اطلاعاتی و پلیسی موفق شدند مخفیگاه متهم را در میدان منیر به تهران شناسایی و طی عملیاتی غافلگیرانه وی را دستگیر کنند. بررسی سوابق متهم نشان داد هویت اصلی او «فرزاد» است که دارای سوابق متعدد سرقت منزل بوده و پیش از این نیز بارها توسط پلیس دستگیر شده است.

متهم در مراحل اولیه بازجویی منکر ارتکاب جرم شد، اما پس از مواجهه حضوری با شاکي و ارائه مستندات موجود، به جرم خود اعتراف کرد و با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان شد.

■ ■ ■

هشدار جدی به خانواده‌ها

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با هشدار به خانواده‌ها گفت: در سال‌های اخیر، تغییر سبک زندگی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و در عین حال تهدیدهای جدیدی را به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان ایجاد کرده است. متأسفانه بخشی



از پرونده‌های اجتماعی و جنایی که امروز در پلیس آگاهی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، ریشه در اعتماد ناآگاهانه در فضای مجازی دارد.

وی ادامه داد: در بسیاری از این پرونده‌ها، افراد سودجو با هویت‌های جعلی، عناوین فریبنده و وعده‌های حمایتی یا شغلی، اعتماد قربانیان، به‌ویژه نوجوانان آسیب‌پذیر را جلب و زمینه وقوع آسیب‌های جدی روحی، جسمی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. نکته نگران‌کننده این است که اغلب قربانیان، پیش از وقوع حادثه هیچ شناخت واقعی از طرف مقابل نداشته‌اند و روابط صرفاً بر پایه پیام‌ها و ادعاهای غیرواقعی شکل گرفته است.

بررسی‌های تخصصی پلیس نشان می‌دهد فرار از منزل، قطع ارتباط مؤثر میان والدین و فرزندان و نبود آموزش مهارت‌های زندگی و سواد رسانه‌ای کافی از مهم‌ترین عوامل افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر چنین تهدیدهای است. این موضوع نشان می‌دهد پیشگیری، صرفاً وظیفه پلیس نیست و نیازمند همراهی خانواده‌ها، مدارس و نهادهای فرهنگی است.

سرهنگ نثاری در پایان گفت:از خانواده‌ها انتظار می‌رود با گفت‌وگوی مستمر، بدون تنش و مبتنی بر اعتماد، ارتباط خود را با فرزندان تقویت کنند و نسبت به نوع روابط آنها در فضای مجازی حساسیت آگاهانه داشته باشند. نوجوانان نیز باید بدانند هیچ‌گونه کمک واقعی، بدون شناخت حضوری، مدارک مشخص و مسیرهای قانونی قابل اعتماد نیست. پلیس آگاهی با بهره‌گیری از توان تخصصی، خود را متعهد به پیگیری قاطع مجرمان و حمایت از زره‌دیدگان می‌داند، اما تأکید می‌شود پیشگیری آگاهانه، مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه کاهش آسیب‌های اجتماعی است. امید است با افزایش آگاهی عمومی و همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های مسئول، شاهد کاهش چنین حوادث تلخی در جامعه باشیم.

■ غلامرضا مسکنی

چهار مرد نقابدار، مسلح، با تهدید سلاح و گروگانگیری همسایه‌ها، میلیارد‌ها تومان طلا و ارز از خانه‌های شمال تهران سرقت کردند، اما در پایشان نه در صحنه جرم، بلکه روی یک رسید بانکی ساده باقی ماند. سردسته این باند پس از دستگیری به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد.

اوایل فروردین‌ماه امسال، مردی برج‌ساز با تماس با اداره پلیس تهران از سرقت مسلحانه از منزلش خبر داد. وی اعلام کرد چهار سارق مسلح با نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده وارد خانه‌اش شدند و پس از سرقت میلیاردی متواری شده‌اند.

■ ورود پلیس به محل حادثه

با اعلام این گزارش، تیمی از مأموران پلیس به یک ساختمان مسکونی در یکی از خیابان‌های شمال تهران اعزام شدند. بررسی‌ها نشان داد سارقان لحتائی پیش، پس از سرقت از یکی از واحدهای ساختمان، صاحب آن خانه را گروگان گرفته و با استفاده از او وارد منزل مرد برج‌ساز شده‌اند. مرد برج‌ساز در توضیح ماجرا گفت: «ساعت ۸/۵ شب همراه خانواده در خانه بودیم که زنگ در به صدا درآمد. از چشمی دیدم همسایه طبقه بالایی پشت در است و تصور نمی‌کردم نقشه‌ای در کار باشد. به محض باز کردن در، چهار مرد نقابدار مسلح به همراه همسایه وارد خانه شدند.» وی افزود: «دو نفر از سارقان با اسلحه ما را تحت‌نظر گرفتند و دو نفر دیگر به سراغ گاوصندوق رفتند و با دلیلم آن را تخریب کردند. آنها ۱۲ میلیارد تومان طلا، سکه و دلار را سرقت کردند. حدود ۲۰ دقیقه در خانه بودند و پس از فراشان فهمیدیم ابتدا به خانه طبقه بالایی دستبرد زده و صاحبخانه را گروگان گرفته بودند. سپس با تهدید او را مجبور کردند زنگ خانه ما را بزنند.»

■ تشکیل پرونده و سرنخ‌های مشابه

با شکایت شاکیان، پرونده به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت، در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. مأموران در جریان تحقیقات با چند پرونده مشابه روبه‌رو شدند که همگی از سرقت‌های مسلحانه سریالی در خانه‌های شمال تهران حکایت داشت. چهار سارق مسلح نقابدار با تهدید اسلحه، چاقو و حتی چوب وارد خانه‌ها می‌شدند و دست به سرقت‌های میلیاردی می‌زدند.

■ تماس مرد جوان

در حالی که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارقان مسلح

■ گفت‌وگو با متهم

■ تشکیل باند سرقت در زندان

بهرام، سردهسته باند سارقان منازل شمال تهران، سارق سابقه‌داری است که ادعا می‌کند این باند را همراه هم‌سلولی‌هایش در زندان تشکیل داده و پس از آزادی از زندان، سرقت‌های خود را آغاز کرده‌اند.

■ بهرام چه سابقه‌ای داری؟

سابقه‌های اصلی من مربوط به سرقت‌است. چندین بار به‌اتهام سرقت دستگیر شده‌ام. پیش از این، انواع مختلف سرقت انجام می‌دادم و حتی سابقه درگیری هم دارم، اما این بار تصمیم گرفتم سرقت از منازل را انجام دهم.

■ چرا سرقت از منازل را انتخاب کردید؟

چون سرقت از منزل پول بیشتری دارد. الان در بیشتر خانه‌های

حصولات

سرویس حوادث، ۶۰، ۸۵۲۳

سرقت‌های سریالی سارقان مسلح

که با رسید آب معدنی لو رفت!

ادامه داشت، چندی قبل مرد جوانی با پلیس تهران تماس

گرفت واز سرقت در حال وقوع در خانه همسایه‌شان خبر داد. او گفت: «صداهایی از طبقه بالایی شنیدم و چون می‌دانستم صاحب خانه حضور ندارد، مشکوک شدم. پس از تماس با صاحبخانه و اطمینان از نبودنش، سریع با



شمال تهران مقدار زیادی طلا و دلار نگهداری می‌شود و اگر شانس

با آدم بار باشد، با یک سرقت می‌شود پول زیادی به دست آورد. بقیه سرقت‌ها از نظر مالد زدی محسوب می‌شود.

■ بطور با همدستات آشنا شدی؟

همه مادر زندان باهم آشنا شدیم و همگی سابقه‌دار هستیم. همان‌جا تصمیم گرفتم بعد از آزادی، سرقت از منازل انجام دهم و به تصمیم‌مان هم عمل کردیم.

■ خانه‌های مورد نظر را چگونه انتخاب می‌کردید؟

معمولاً در خیابان‌های شمال شهر گشت می‌زدیم و خانه‌هایی را که چراغشان خاموش بود، انتخاب می‌کردیم. چند ساعت آن‌خانه را زیر نظر می‌گرفتم و اگر چراغ همچنان خاموش بود، ابتدا زنگ خانه را می‌زدیم، اگر کسی جواب نمی‌داد، وارد عمل می‌شدیم.

■ چگونه وارد خانه‌ها می‌شدید؟

معمولاً با دلیلم قفل در را تخریب می‌کردیم. یکی از همدستانم چنه

پلیس تماس گرفتیم.»

■ فرار مسلحانه

با اعلام این خبر، مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و در نزدیکی ساختمان با چهار سارق نقابدار روبه‌رو شدند که قصد فرار با خودروی سمند داشتند. سارقان با مشاهده پلیس با پای پیاده متواری شدند و در ادامه با تهدید اسلحه، دو موتورسوار را خفت کردند و با موتورسیکلت‌ها گریختند. بررسی‌ها نشان داد آنها در این سرقت نیز ۸ میلیارد تومان اموال به سرقت برده و خودروی سمند را در محل رها کرده‌اند.

■ رسید بانکی؛ سرنخ اصلی پلیس

کارآگاهان در یافتند خودروی سمند که در اختیار سارقان بوده سرقتی است و چند روز قبل گزارش سرقت آن در اداره پلیس ثبت شده‌است. مأموران در ادامه به بازرسی دقیق خودرو پرداختند و در بازرسی از داخل خودرو، رسید بانکی مربوط به دستگاه کارت‌خوان کشف شد که نشان می‌داد یکی از سارقان یا افراد مرتبط با آنها، یک روز قبل خریدی از مغازه‌ای انجام داده‌است.

در بررسی‌های فنی، پلیس صاحب رسید را شناسایی کرد و فردی به نام «ارسلان» بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت که رسید متعلق به خرید بطری آب بوده واز سرقتی بودن خودرو و اقدامات سارقان اطلاعی نداشته است. وی گفت: «ا روز یکی از دوستانم به نام فریبرز با خودروی سمند به سراغم آمد تا جایی برویم. در میان راه بطری آبی از سوپر مارکتی خریدم و رسید آن را داخل خودرو انداختم، اما در جریان سرقت‌ها نیستیم.» تحقیقات پلیس نیز صحت گفته‌های او را تأیید کرد.

در ادامه، فریبرز بازداشت شد. وی ابتدا منکر جرم شد، اما در نهایت اعتراف کرد که به سفارش فردی به نام بهرام اقدام به سرقت خودرو می‌کردند و سارقان مسلح با این خودروها دست به سرقت‌های سریالی می‌زدند.

■ دستگیری سردسته باند

بررسی سوابق بهرام نشان داد وی از سارقان سابقه‌دار است که چندین بار بازداشت و زندانی شده‌است. بهرام بازداشت شد و سه همدست خود را معرفی کرد. سپس مأموران برای دستگیری همدستان وی وارد عمل شدند، اما موفق شدند یکی از سارقان را بازداشت کنند و دو سارق دیگر متواری شدند. همزمان با ادامه تحقیقات از سارقان دستگیر شده، پلیس در تلاش است تا دو همدست آنها را بازداشت و سرقت‌های احتمالی آنها را بررسی کند.

کوچکی دارد، بعد از این که در کامی بالای می‌کشیدیم، وارد حیاط می‌شد و در را از داخل باز می‌کرد. بعد وارد خانه می‌شدیم و اغلب گاوصندوق را هم تخریب می‌کردیم.

■ در جریان سرقت‌ها با صاحبخانه هم روبه‌رو شدید؟

بله. در چند مورد بعد از ورود، صاحب‌خانه داخل بود که او را با تهدید سلاح یا چاقو مجبور می‌کردیم به جلوی در واحد دیگری بروود زنگ بزنند تا این روش سرقت دیگری انجام دهم.

■ چند فقه سرقت انجام دادید؟

تعداد دقیقش را یادم نیست.

■ فکری می‌کردید شناسایی و دستگیر شوید؟

نه، حداقل نه به این زودی. همه چیز را حساب‌شده انجام می‌دادیم؛ خودروی سرقتی تهیه می‌کردیم، نقاب می‌زدیم و اثر انگشت هم باقی نمی‌گذاشتیم، اما فکرش را نمی‌کردیم یک‌فیش دستگاه پوز باعث لو رفتن سرقت‌های سریالی ما شود.

جان باختن ۳ نفر

در ۲ تصادف شبانه

معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ از وقوع دو تصادف که باعث مرگ سه نفر در پایتخت شد، خبر داد.

سرهنگ فیروز کشیر افزود: اولین تصادف ساعت ۳ بامداد دپروز در بزرگراه شهید باکری سمت شمال به جنوب رخ داد. در این تصادف یک دستگاه خودروی ۴۰۵ با دو سرنشین، پس از برخورد با کناره‌های بزرگ‌راه و رد شدن از نیوجرسی ها، خودرو به پایه یک تیر برق برخورد کرده و واژگون می‌شود. معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: در اثر این برخورد، هر دو سرنشین جان خود را از دست می‌دهند. سرهنگ فیروز کشیر ادامه داد: علت این تصادف، سرعت غیرمجاز خودرو و عدم توانایی کنترل وسیله نقلیه عنوان شده‌است. وی درباره تصادف دوم نیز افزود: تصادف دوم نیز در اتوبان تهران- کرج حوالی کوهک رخ داد. در این حادثه یک دستگاه خودروی دنا با یک عابر ۵۵ساله برخورد می‌کند. معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: در این تصادف عابر بر اثر برخورد سر به شیشه خودرو و پرت شدن در همان محنت تصادف جان خود را از دست داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد فرد در کنار آزادراه منتظر ایستاده، اما چون لباس کاملاً تیره بر تن داشت، راننده دنا اصلاً او رانده و این برخورد صورت گرفته‌است.



مرگ آتشین

برای نجات جان پسر خاله

■ آرمین بینا

شعله‌های آتش یک کارگاه کفاشی در جنوب تهران، شاهد فداکاری مردی شد که برای نجات پسرخاله‌اش به دل آتش زد، اما لحظاتی بعد، خودش قربانی حادانه‌ای شد و جانش را از دست داد. عامل آتش‌سوزی به حبس و پرداخت دیه محکوم شد.

یکی از روزهای زمستان سال ۹۶، مأموران پلیس تهران از وقوع آتش‌سوزی در یک کارگاه کفاشی در جنوب پایتخت باخبر شدند. بلافاصله تیمی از مأموران به محل حادثه اعزام شدند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد در مرد جوان در جریان این آتش‌سوزی به شدت دچار سوختگی شده‌اند. هر دو مصدوم با کمک نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شدند.

■ اعتراف به آتش‌سوزی عمدی

در ادامه، مأموران برای ابعاد حادثه راهی بیمارستان شدند. یکی از مصدومان به نام «محمد» به دلیل شدت سوختگی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری و حال عمومی‌اش وخیم گزارش شد. مصدوم دیگر به نام «اکبر» وضعیت بهتری داشت و در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که خودش عامل آتش‌سوزی بوده‌است. او مدعی شد به دلیل اختلافی که با صاحب کارگاه داشته، با پاشیدن مایع اشتعال‌زا، محل کار را به آتش کشیده‌است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید محمد به علت شدت سوختگی روی تخت بیمارستان جان باخته‌است. با توجه به اینکه آتش‌سوزی عمدی تشخیص داده‌شد، مرگ این مرد جوان پرونده را وارد حله تازه‌ای کرد و به دستور بازپرس جنایی، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی را آغاز کردند.

■ اختلاف با صاحب کارگاه

بررسی‌ها نشان داد اکبر و محمد پسرخاله بودند و هر دو در این کارگاه کفاشی کار می‌کردند. ماجرا از آنجا آغاز شد که اکبر با صاحب کارگاه بر سر پرداخت‌شدن حقوق و مزایا دچار اختلاف می‌شود. روز حادثه، درگیری لفظی میان اکبر و صاحب کارگاه بالا می‌گیرد و اکبر در اقدامی خطرناک، کارگاه را به آتش می‌کشد. صاحب کارگاه موفق به فرار می‌شود، اما اکبر در میان دود و شعله‌ها گرفتار می‌ماند. در این میان، محمد که شاهد گرفتار شدن پسرخاله‌اش در آتش بوده، برای نجات او به داخل کارگاه می‌رود، اما خودش نیز گرفتار شعله‌ها می‌شود و جانش را از دست می‌دهد.

■ بازداشت

با روشن‌شدن این ابعاد، اکبر بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در اظهارات خود گفت: «من و پسر خالهام چند سالی در این کارگاه کار می‌کردیم، اما صاحب کارگاه حق و حقوق‌مان را به موقع پرداخت نمی‌کرد. بارها اعتراض کردیم، اما نتیجه‌ای نداشت. روز حادثه با او درگیر شدم و تهدید کردم اگر حقوق‌مان را ندهد، کارگاه را آتش می‌زنم. در جریان درگیری، ناخواسته آتش‌سوزی رخ داد و خودم در میان آتش گرفتار شدم. پسر خالهام برای نجات من آمد، اما جانش را از دست داد.»

■ قتل غیر عمد

پس از اعتراف متهم و انجام تحقیقات میدانی، بازپرس جنایی مرگ محمد را قتل عمد تشخیص نداد و برای اکبر به اتهام قتل شبه‌عمد کیفرخواست صادر شد. متهم در دادگاه به تحمل حبس و پرداخت دیه محکوم و راهی زندان شد. پس از طی مراحل قانونی، پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی ارسال شد. اکبر پس از گذراندن دوران حبس از زندان آزاد شد. از سوی دیگر، همسر و فرزندان مرد فوت‌شده نیز از جنبه عمومی جرم گذشت کردند و تنها خواستار دریافت دیه شدند. چند روز قبل، متهم برای تعیین تکلیف نحوه پرداخت دیه به شعبه اجرای احکام مراجعه و با ارائه درخواست اعسار اعلام کرد، حاضر است طبق قانون، هر ماه بخشی از حقوق خود را به عنوان دیه به خانواده پسر خاله‌اش پرداخت کند. این درخواست در حال حاضر در دست بررسی قرار دارد.